نسبت تواتر قرائات به مشهور در فرائد الاصول شیخ انصاری

دیشب یکی از آقایان به مسجد آمده بودند و می‌گفتند آیا تو می‌گویی هر ده قرائت عشر متواتر است؟! از من سؤال می‌کردند که تو به این صورت می‌گویی؟! گفتم عزیز من، این را که من نمی‌گویم. در تاریخ فقه و اصول معروف است که شهید اول این را فرموده و این قول برای ایشان است. اینکه برای من نیست تا شما بگویی تو اینطور می‌گویی! بعد یادم آمد. شاید بعداً هم بشنوند. از کتابهای درسی حوزه رسائل است. کتاب بسیار خوبی هم هست. وقتی در متن کتاب درسی حوزه ما، آن هم کتاب به این مهمی، کلمه مشهور می‌آید، می‌خواهد مشهور عامه را بگوید؟! واضح است که به این صورت نیست. الآن همین فرائد را ببینید؛ مرحوم شیخ به‌طور قاطع به مشهور نسبت می‌دهند.

> **الثاني:**
>
> **أنه إذا اختلفت القراءة في الكتاب على وجهين مختلفين في المؤدى، كما في قوله تعالى: * (حتى يطهرن) حيث قرئ بالتشديد من التطهر الظاهر في الاغتسال، وبالتخفيف من الطهارة الظاهرة في النقاء من الحيض، فلا يخلو: إما أن نقول بتواتر القراءات كلها كما هو المشهور، خصوصا في ما كان الاختلاف في المادة، وإما أن لا نقول كما هو مذهب جماعة. فعلى الأول: فهما بمنزلة آيتين تعارضتا، لا بد من الجمع بينهما بحمل الظاهر على النص أو على الأظهر، ومع التكافؤ لا بد من الحكم بالتوقف والرجوع إلى غيرهما وعلى الثاني: فإن ثبت جواز الاستدلال بكل قراءة - كما ثبت بالإجماع جواز القراءة بكل قراءة - كان الحكم كما تقدم، وإلا فلا بد من التوقف في محل التعارض والرجوع إلى القواعد مع عدم المرجح، أو مطلقا بناء على عدم ثبوت الترجيح هنا**[1]

جلسه قبل یکی از آقایان شوخی کردند که فردا جلسه فقه است! همینطور هم شده. وقتی این مباحث تنها به علوم قرآنی می‌رود، از فقه و اصول رخت برمی بندد و آن تحقیقات لایقه برایش نمی‌شود. این متن کتاب درسی حوزه است. شیخ می‌فرماید:

«أنه إذا اختلفت القراءة في الكتاب على وجهين مختلفين في المؤدى»؛ حکم شرعی آن دو تا می‌شود. **«كما في قوله تعالى: * (حتى يطهرن) حيث قرئ بالتشديد»؛** که از ابوبکر از عاصم بود. **«من التطهر الظاهر في الاغتسال، وبالتخفيف من الطهارة»؛** قرائت حفص، **«الظاهرة في النقاء من الحيض».**

«فلا يخلو: إما أن نقول بتواتر القراءات كلها كما هو المشهور»؛ ببینید شیخ نسبت جزم به مشهور می‌دهند. می‌گویند مشهور این است. این مشهور یعنی مشهور سنی ها؟! اینکه روشن است منظورشان «كما هو المشهور عند الامامية» است.

«خصوصا في ما كان الاختلاف في المادة، وإما أن لا نقول كما هو مذهب جماعة»؛ این آن طرف می‌شود. مشهور تواتر القرائات است. احتمال اینکه مقصود از این تواتر، تواتر الی القراء باشد، نیست. در جای دیگر می‌گویند. صفحه دویست و بیست و هشت را هم داشته باشید.

خب فعلاً همین مشهور شیخ کافی است. وقتی در فضای فقه و اصول شیعه مشهور این را می‌گویند، شیخ نتیجه می‌گیرند وقتی دو قرائت باشند و متواتر باشند:

«فعلى الأول: فهما بمنزلة آيتين تعارضتا»؛ دو آیه قرآن هستند. فرقی ندارند. **«لابد من الجمع بينهما بحمل الظاهر على النص أو على الأظهر، ومع التكافؤ لا بد من الحكم بالتوقف والرجوع إلى غيرهما»؛** اینجا چون قرآن است ترجیح سندی معنا ندارد. باید توقف کنیم. دیشب خدمت ایشان گفتم موارد تعارض را چه کنیم؟ یک مورد پیدا کنید، یک مورد نداریم که به تناقض برسد. اتفاقا همین «یطهرن» را گفتند. گفتم متعدد بحث شده، قطب راوندی، خود شیخ، سید مرتضی و دیگران بحث کرده‌اند که «یطهرن» بنابرایی قرائت حکم جواز را می‌گوید «یطهّرن» هم حکم استحباب را می‌گوید. دو قرائت است و دو حکم شرعی. کجای اینها تعارض است؟! کجا محتاج به این توقف می‌شویم؟! یک جا بیاوری که ما محتاج به توقف بشویم.

---

[1] فرائد الأصول نویسنده : الشيخ مرتضى الأنصاري جلد : ۱ صفحه : ۱۵۷

بازبینی #1
ایجاد شده 22 آوریل 2026 13:35:14 توسط ... .
به روزرسانی شده 22 آوریل 2026 13:36:54 توسط ... .